



### پایان خاطره‌های کبود

بسیار مشهور شدند؛ مانند آرمان که تلاش‌ها برای جلب رضایت خانواده مقتول در سرگاه اجرای حکم جواب نداد و او سرگ را در جوانی مانند مقتول نوجوانش به آغوش کشید یا داستان وحید مرادی که در درگیری‌های داخلی زندان کشته شد و ریخته‌های جثه‌اش و چهره‌های خیسری دیگری که سرگ بر روی تپه‌های کوه‌رشدت کرج، ایستگاه پانتهای زندگانی‌شان بود تا محکومان به مرگ در زندان اوین و سایر زندان‌ها با شنیدن انتقال به «سولیت» در جرایم شهر، بداند آخرین شب حیاشان را سپری خواهند کرد. کافی است از دور نگاه می‌کنی به ساختمان رجایی‌شهر بیندازید؛ زندانی ۷۰ هکتاری در میان بافت شهری، به‌طوری‌که پنجره بسیاری از خانه‌ها به حیاط ورودی زندان و حتی پنجره‌های همیشه بسته زندان باز می‌شد تا این‌گونه سرگاه‌های اجرای حکم، نه فقط حال زندان که حال همسایگان زندان هم بد شود. قطعی آنتن همراه اول و نوبد اینترنت موبایل نیز سوغات حفظ امنیت زندان برای ساکنان منطقه بود. به اینها رفت‌وآمد خانواده زندانیان، شرایط امنیتی، انتقال زندانیان و... را نیز باید افزود.

